

چهارشنبه ۱۲ / ۱۱ / ۱۴۰۱ جلسه ۲۵

موضوع: فقه شعائر / بررسی مصادیق شعائر / حیّ علی خیر العمل در اذان و اقامه

کلام ما در بحث شعائر به جمله شریفه حیّ علی خیر العمل رسیدیم و امروز این شعیره را جمع بندی می‌کنیم.

تیترو عنوان بحث را مطرح کرده و باقی مطالعات را به دوستان احواله می‌کنم. در این زمینه من کامل تر از تحقیق آسید علی شهرستانی ندیدم که در بحث حیّ علی خیر العمل یک جلد بحث کردند و تیترو عنوانین به شرح ذیل است.^۱

سخن در این بود که تشریعه اذان توسط چه کسی و کجا بوده؟

اهل تسنن اختلاف دارند، برخی توسط عمر می‌دانند و بعضی توسط برخی دیگر صحابه می‌دانند و بعد عمر می‌گوید من بیست روز قبل از تو خواب دیدم و اختلاف در تعبیر بسیار زیاد است و تشریع اذان را خواب می‌دانستند حال آنکه طبق مبنای مکتب اهل بیت علیهم السلام و حتی برخی روایات تسنن تشریع اذان در معراج بود و در زمین هم سر پیغمبر در دامان امیر المومنین علیه السلام بود و حضرت امیر علیه السلام اذان جبرئیل را شنیدند و پیغمبر فرمودند این را به بلال یاد بده و حضرت به او تعلیم کردند و او اذان گفت.

در اینجا اهل تسنن پنج قول دارند.

الف) صفحه ۲۷: تشریعه باقتراح من الصحابه و خصوصاً عمر بن خطاب و آنها بودند که در خواب دیدند و پیامبر آن را از صحابه یاد گرفتند

ب) جاء تشریع الاذان بعد منامات رآها بعض الصحابه

ج) نزول الاذان تدریجاً و اضافه عمر الشهادة بالنبوة اليه: تا توانستند جعل روایت کرده اند و در صحیحه ابن خزیمه آمده است.

د) الاذان وحی من الله تلقاه الرسول من جبرئیل که این قول از آنها مطابق شیعه است؛ جاء فی نصب الرأیة للزیلعی تحت باب احادیث فی ان الاذان کان وحیا لا مناما روی البزار فی مسنده حدثنا محمد بن عثمان بن مخلد الواسطی حدثنا ابی حدثنا زیاد بن المنذر عن محمد بن علی بن الحسین (محمد حنفیه) عن ابیه عن جده عن علی بن ابی طالب قال: لما اراد الله ان یعلم رسوله الاذان اتاه جبرئیل بدابة یقال لها البراق (مركب سواری حضرت در لیلۀ معراجیه براق بوده است) فظهر مرکبها فاستصعبت (یعنی اینقدر وزنه خاتم الانبیاء و وزنه عقل کل و کل عقل، وزنه اولین مخلوق عالم از جهت خلقت نورانی و اولین عالم از حیث رتبه بر این براق سخت آمد)، فقال لها جبرئیل اسکنی فوالله ما رکبک عبد اکرم علی الله من محمد قال فرکبها حتی انتهى الی الحجاب الذی یلی الرحمن تبارک و تعالی فبینما هو کذلک اذ خرج ملک من الحجاب فقال رسول الله یا جبرئیل من هذا قال و الذی بعثک بالحق انی لاقرب الخلق مکاناً و ان هذا الملك ما رأیته منذ خلقت قبل ساعتی هذه، فقال الملك الله اکبر الله اکبر فقیل له من وراء الحجاب صدق عبدی انا اکبر انا اکبر ثم قال

۱. الاذان بین الأصالة والتحریف، الشهرستانی، السید علی، ج ۱، ص ۲۶.

اشهد ان لا اله الا الله، ثم قال الملك اشهد ان محمدا رسول الله، فقال صدق عبدی انا ارسلته، حی علی الصلاة حی علی الفلاح و صدق عبدی.^۱ و حی علی خیر العمل را اسقاط کرده است و ما هم در بیان کیفیت اذان نیستیم.

ه) ان عمر اول من سمع اذان جبرئیل ثم بلال؛ نه اینکه مکتب امامیه نسبت به این تمام بغض را دارد سعی کردند برای او فضیلت تراشی کنم.

یا روایتی تراشیدند که؛ لو لم ابعث بینکم لبعث عمر و امثال این روایت که الی ماشاء الله ساختند تا حتی العیاذ بالله پیغمبر همسرشان را روی شانه سوار کرده بود و صدای ساز شنید و تا عایشه ساز را بشنوند و یا پیغمبر در مجلسی بودند که ساز زنند و تا عمر آمد مغنیات فرار کردند و پیغمبر فرمودند: همه از عمر می ترسند حتی شیطان یعنی العیاذ بالله کار شیطانی انجام می دهد حال آنکه با وجود عمر شیطان فرار می کند، عرض کردم کتابی است حاصل درس های آقای رضا زاده در موسسه بیان معرفت این بحث ها را جالب مطرح کرده است بنام علل پیدایش مذاهب اربعه.

و) ان الاذان نزل به جبرئیل علی آدم لما استوحش: وقتی حضرت آدم از هبوط به زمین ترسید اینقدر فضای وجود در زمین برای آدم سخت آمد که ایشان دچار وحشت شد و جبرئیل آمد و اذان را تعلیم داد.

قول اهل بیت علیهم السلام در صفحه ۴۱ بیان شده است.^۲ من لطافتی در روایت امام حسین علیه السلام دیدم که آن را بیان می کنم؛ در کتاب جعفریات که در بحث فقه سندا بحث کردیم که آیت الله خویی تعبیر صحیحه دارند؛ **اخبرنا محمد حدثنی موسی قال حدثنا ابی عن ابیه عن جده جعفر بن محمد عن جده علی بن الحسین عن الحسین بن علی سلام الله علیهم انه سئل عن الاذان و ما یقول الناس فیه قال الوحی ینزل علی نبیکم و تزعمون انه اخذ الاذان عن عبد الله بن زید ؟**

بل سمعت ابی علی بن ابی طالب سلام الله علیهما یقول اهبط الله ملکا حین عرج برسول الله فاذن مثنی مثنی و اقام مثنی مثنی ثم قال له جبرئیل یا محمد هكذا اذان الصلاة^۳ و نمونه هایی از مکتب اهل بیت علیهم السلام مبنی بر تشریع و کیفیت تشریع اذان را می آورد، البته در کتب اهل سنت اقامه را مره مره نقل کرده اند، اما در شیعه مثنی مثنی آمده است الا لا اله الا الله آخر آن. جبرئیل آموزگار پیامبر نبوده است بلکه بالعکس بوده است چون هر خیری به هر مخلوقی بناست برسد واسطه آن خیر پیامبر است (ان ذکر الخیر کتتم اوله و آخره و اصله و فرعه و معدنه و مأواه و متناه). یکی از خیر ها خیر های ملائکه است.

حبیب بن مظاهر خدمت امام حسین علیه السلام می رسد و می گوید این کتتم قبل ان یخلق الله آدم بالفی العام حضرت می فرمایند: **کنا ندور حول عرش الرحمن کنا نسبحه و نحمده و نقدسه^۴...** و در تعبیر دیگر آمده است که پیامبر فرمودند: اول ما خلق الله نوری ثم انشقه نصفین فمن نصفه نوری و من النصف الآخر نور علی فسیحنا و سبحت الملائکه و کبرنا و کبرت الملائکه و کان ذلک بتعلیمه و

۱. الأذان بین الأصالة والتحریف، الشهرستانی، السید علی، ج ۱، ص ۳۶.

۲. الأذان بین الأصالة والتحریف، الشهرستانی، السید علی، ج ۱، ص ۴۱.

۳. الجعفریات- الأشعثیات، کوفی، محمد بن اشعث، ج ۱، ص ۴۲.

۴. التفسیر الصافی، الفیض الکاشانی، ج ۴، ص ۲۸۶.

تعلیم علی علیه السلام. و از این دست روایات به حد تواتر وجود دارد که اهل بیت علیهم السلام سرچشمه هر خیر و تعلیمی هستند و عنایات الهی از مصدر اهل بیت علیهم السلام صادر می شود حتی ملائکه شب قدر تکلیف خود را از اهل بیت علیهم السلام دریافت می کنند.

حافظ علوی اینطور نقل می کند در کتاب الاذان بحی علی خیر العمل صفحه ۵۴ کتاب شهرستانی؛ قد اخرج حافظ العلوی فی کتابه اذان بحی علی خیر العمل بقوله حدثنا الحسين بن محمد بن الحسن تا امام صادق علیه السلام می رساند، عن سفیان بن السمیت عن جعفر بن محمد عن ابیه عن جده علیهم السلام قال: اول من اذن فی السماء جبرئیل حین اسری بالنبی فقال الله اکبر الله اکبر، فقالت الملائکه الله اکبر من خلقه (به نظر ما من ان یوصف باید باشد) فقال اشهد ان لا اله الا الله فقالت الملائکه و نحن نشهد، فقال اشهد ان محمدا رسول الله، اشهد ان محمدا رسول الله، فقالت الملائکه عبد بعث فقال جبرئیل حی علی الصلاة حی علی الصلاة فقالت الملائکه امر القوم بالصلاة فقال حی علی الفلاح حی علی الفلاح فقالت الملائکه افلح القوم، فقال حی علی خیر العمل حی علی خیر العمل فقالت الملائکه امر القوم بخیر العمل و اقام الصلاة الخ.^۱

ده ها تصریح از خود اهل سنت از جمله روایت فوق وجود دارد که اذان با حی علی خیر العمل بوده است. برخی عمر را حذف کننده می دانند و برخی با روایات جعلی حذف را به خود پیامبر نسبت می دهند و جعل اینقدر در اهل سنت زیاد است که خودشان به تهاافت های زیادی برخوردند.

نکته بعد

صفحه ۱۱۲؛ اهل البیت و رفع ذکر رسول الله: فرمایشاتی که اهل بیت علیهم السلام با شخصیت پیامبر چه تعاملی دارند و دیگران چه تعاملی دارند؟^۲

های قابل توجهی می آورند.

صفحه ۱۸۱؛ اتفاق الفریقین علی اصل شرعیته: در اصل تشریع حی علی خیر العمل اختلافی نیست و نمونه هایی از طرفین وجود دارد، و جاء فی الروض النظیر (اهل سنت با مکتب فقهی شافعی) الصحیح ان الاذان شرع بحی علی خیر العمل، لانه اتفق علی الاذان به یوم الخندق و لانه دعاء الی الصلاة (ما اعتقاد داریم تأویل حی علی خیر العمل حی علی الولاية است) و قد قال خیر اعمالکم الصلاة.^۳

حافظ علوی زیدی مسندا: و من المعلوم ان ابا المحدثه من ان رسول الله علمه الاذان و فیہ التاذین بحی علی خیر العمل.

۱. الأذان بین الأصالة والتحریف، الشهرستانی، السید علی، ج ۱، ص ۵۴.

۲. الأذان بین الأصالة والتحریف، الشهرستانی، السید علی، ج ۱، ص ۱۱۲.

۳. الأذان بین الأصالة والتحریف، الشهرستانی، السید علی، ج ۱، ص ۱۸۲.

صفحه ۲۰۰؛ و يتخلص اشكال اهل السنه و الجماعه في ثلاث نقاط^۱

اولاً مصادر حدیثی معتبره آنها از روایات مثبتة وجود حی علی خیر العمل خالی است و ان السنن الکبری لبیهقی مصنف ابن ابی شیبہ از کتب اهل تسنن نیست و از مصادر ثانویه است، لذا فهم لا یقولون بشریة حی علی خیر العمل لان الصحیحی البخاری و مسلم لم یذکرا روایات تؤیداً ذلک.

اتفاقاً یکی از آقایان زیدیه جواب نقضی داده است؛ و قالوا ان صحت فی الاذان الاول (اذان) فهی منسوخة بالاذان الثانی لعدم ذکره فیها، شاید اذان اول و دوم اذان معراج و زمین هم باشد و رد هذا بانه لایلزم من عدم ذکره فی الصحیحین عدم صحته و لیس کل السنه الصحیحه فی الصحیحین، به تعبیر بنده حاکم نیسابوری مستدرک نوشت یعنی روایاتی که به شرط بخاری و مسلم صحیحه هستند و باید در صحیح بخاری و مسلم می آوردند و نیاوردند، چرا نیاوردند و نزد اهل سنت جا افتاده؟ بخاطر اینکه این دو مخصوصاً بخاری روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام را حذف کرد و شاهد این عدم وجود چنین روایاتی درباره اهل بیت علیهم السلام در بخاری است، از عایشه و حفصه و ابوبکر و عمر بسیار روایات نقل می کند، از برخی مثل ابوهریره هزار و دویست و اندی حدیث نقل می کند اما از اهل بیت علیهم السلام نقل نمی کند. سهو قلم او بوده که فاطمه بضعة منی را آورده است من اذاها فقط آذانی و چند صفحه قبل تر درباره حضرت فاطمه سلام الله علیها می گوید ماتت و هی ساخطة علیهما و امثال این روایات.

سپس می فرمایند: و بانه لو کان منسوخاً (در زمان پیامبر) لما خفی علی بن ابی طالب و اولاده کما فی مسنداتهم اگر نسخ شده بود چطور اهل بیت علیهم السلام در اذان های خود می گفتند؟ و هم السفینه الناجیه بقول جد هم سید البریه اهل بیتی فیکم کسفینه نوح و مفصل بیان می کنند.

دو اشکال دیگر باقی ماند که در جلسه بعد خواهد آمد.

۱. الاذان بین الأصالة والتحریر، الشهرستانی، السید علی، ج ۱، ص ۲۰۰.